ديدار اقشار مختلف مردم به مناسبت ايام دهه ي فجر - 4 /بهمن/ 1368

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
در آغاز از همه‌ي شما برادران و خواهران، مخصوصا خانواده‌هاي معظم شهداي عالي‌قدرمان و علماي اعلام و مجاهدان في‌سبيل‌الله كه از راههاي دور و نقاط مختلف و در هوايي سرد تشريف آورديد، تشكر مي‌كنم. خدا را شكرگزاريم كه يك‌بار ديگر ملت بزرگ ما، با احساس قدرت و عافيت و عزت، در آستانه‌ي دهه‌ي فجر و روزهاي نوراني و پرخاطره‌ي پيروزي انقلاب قرار گرفت.
اگرچه ما امسال در حالي يادبود ورود امام بزرگوارمان به كشور و ايجاد تحول عظيم انقلاب به دست آن بزرگمرد را گرامي مي‌داريم كه او در ميان ما نيست و اين فقدان براي همه‌ي ما غمي جانگداز و سنگين است، اما اگر امام نيست، خداي او و راه و رهنمودها و انگشت اشاره‌ي نوراني او كه هميشه ما را به راه راست هدايت مي‌كرد، هست. مهم اين است كه ما كار بزرگ امام را بشناسيم و قدر بدانيم.
از قرنهاي سلطه‌ي مستبدان بر اين كشور بگذريم كه كشور ما جز در برهه‌هايي بسيار اندك و ناچيز در طول تاريخ، دايما مبتلا به تسلط مستبدان و حكام خودخواه و خونخوار بود. همچنين از آنچه در دوران طولاني استبداد بر ملت ما گذشت و دايما ملت ايران به وسيله‌ي مستبدان خودكامه تحقير شد، فعلا حرفي نمي‌زنيم; اما در مدت دويست سال تا هنگام ظهور و اوج نهضت اسلامي، ملت ايران توسط تحميلهاي ظالمانه‌ي دشمنان مسلط خارجي، دايما تحقير شد و زير فشار قرار گرفت.
از روزي كه پاي خارجيها به عنوان قدرتهاي مسلط آن روز عالم، به اين كشور باز شد، دخالت سياستهاي خارجي در كشور ما شروع گرديد. اول انگليسيها آمدند، بعد به رقابت با آنها، روسهاي تزاري دخالت كردند. سالهاي متمادي در كشور ما، بين اين دو بر سر اعمال نفوذ بيشتر رقابت بود تا اين كه با روي كار آمدن سلسله‌ي منحوس پهلوي، حاكميت انگليسيها به طور كامل در ايران تحكيم شد و بعد هم با گذشت دو سه دهه، امريكاييها وارد ميدان شدند و قدرت شيطاني و اهريمني و عيارانه و دزدانه و خباثت‌آميز خودشان را سالها بر كشور و ملت ما ادامه دادند.
در طول اين دويست سال، ملت ايران از خود رأيي نداشت. بر ثروت خويش مسلط نبود و از پيشرفت علم و صنعت در دنيا بي‌بهره بود و اميد درستي هم به آينده نداشت. اگر در گذشته ـ قبل از دوران استعمار و دخالت خارجيها در كشور ما ـ حكام ايراني و داخلي بر مردم جفا و ستم مي‌كردند و زور مي‌گفتند، در طول دوران ورود قدرتهاي استعماري به ايران، هم سلطه‌ي مستبدان بود، هم اعدامهاي بي محاكمه رواج داشت، هم زورگوييهاي بي‌حدوحصر و فشارهاي فراوان و اختناقهاي بي‌اندازه بر ملت ما روا داشته مي‌شد و هم مستبدان به‌وسيله‌ي قدرتهاي بيگانه حمايت مي‌شدند و قدرت آنها مضاعف مي‌گرديد و ثروت كشور ما هم به‌وسيله‌ي هر دو ـ هم حكام داخلي مستبد و هم خارجيهاي زورگو ـ به باد غارت مي‌رفت.
بر ملت ايران در طول قريب دو قرن چه گذشت؟ وقتي كتابهاي مستشرقاني را مي‌خوانيم كه در اين مدت به ايران آمدند تا از خوان گسترده‌يي كه به وسيله‌ي حكام به يغما مي‌رفت، استفاده كنند، هر انسان غيوري در وجود خود احساس تنگدلي و فشار مي‌كند و خجالت مي‌كشد كه اين گونه بيگانه‌ها را بر زندگي و مال و جان و سرنوشت سياسي مردم مسلط كردند و اين‌طور ملتي بزرگ و با استعداد و نيرومند ـ مثل ملت ايران ـ را به زنجير كشيدند و زير فشار قرار دادند.
درست است كه استعمار به صورت صريح و آشكار به كشور ما وارد نشد و مثل هند و الجزاير حكومت تشكيل نداد، اما حكامي كه استعمار به وسيله‌ي آنها در ايران اعمال نفوذ مي‌كرد، مثل عوامل و ايادي خود آنها براي استعمار عمل مي‌كردند. از درون، ملت را خوردند و نابود كردند و عقده‌هاي اين دويست سال ـ بخصوص در چند سال اخير كه فرهنگ اسلامي و استعداد و آرزوهاي سياسي مردم از سوي استعمارگران و قدرتهاي دخالتگر، بكلي به باد استهزا گرفته شده بود ـ در مردم ما انباشته گرديد.

ملت ما براي اين كه حركتي انجام بدهند، آماده بودند. رهبر بزرگ و تفكر صحيحي لازم بود كه آنها را هدايت بكند. اين تفكر صحيح، همان تفكر اسلامي بود كه در اعماق جان مردم، ريشه‌ي ايماني و اعتقادي داشت و آن رهبر و انسان بزرگ هم، همان بزرگمردي بود كه خدا او را براي نجات اين ملت، بلكه نجات همه‌ي مستضعفان ـ بخصوص مسلمانها در زمان و قرن ما ـ برگزيد و اين انقلاب عظيم انجام گرفت.

قلمهاي مزدور موذي دست‌نشانده‌ي صهيونيستها و امريكاييها و ديگر دشمنان اسلام در دنيا، قريب يازده سال است كه مي‌نويسند: تا كنون دستاورد اين انقلاب در ايران چه بوده است؟! آنها كمبودها را بزرگ مي‌كنند و به چشم و رخ مردم مي‌كشند. آنها نمي‌دانند كه وقتي حركتي در كشوري انجام گرفت و ملت را وارد صحنه كرد و به ملت شخصيت داد و حكومت و دولت و مديريت كشور را از درون خود ملت بالا آورد و عقايد و ايمان مردم را بر زندگي آنها حاكم قرار داد و اين ملت زنده شد و احساس شخصيت كرد، ديگر در جلوي اين ملت، راه باز است.

مشكل اساسي ما اين بود كه به وسيله‌ي استعمار، با دهها زنجير بسته شده بوديم. اين زنجيرها، زنجير سياسي و اقتصادي و فرهنگي و استبداد يك حكومت دست‌نشانده و بي‌اعتقادي اين ملت به خود بود. استعمار، اعتقاد و ايمان ملت به خودش را از او گرفته بود; اما انقلاب، زندگي و نشاط و ايمان مردم را به آنها برگرداند.

ما امروز، يك ملت زنده هستيم و به همين دليل است كه در طول اين يازده سال، در كشور ما به قدري كار و تلاش و خدمت مفيد انجام گرفته است كه در دوران آن حكومتهاي جاير، امكان نداشت چنين كارهايي در چند برابر اين زمان انجام بگيرد; چون خود مردم در صحنه‌اند و ثروتشان در دست امناي خودشان است و مسؤولان كشور به سرنوشت ملت علاقه‌مندند و از ميان خود مردمند و بر رفتار مديران كشور، ايمان و تعهدات اسلامي حاكم است.

قبل از اين انقلاب، اينها كجا بود؟ همه‌ي اينها به بركت اسلام و انقلاب و آن انسان بزرگ و آن امام به حق و حقيقتا وارث پيامبران و شخصيت برجسته‌ي دوران ماست. عظمت و شخصيت امام و قيام ملت نيز به بركت اسلام بود.

من، مي‌خواهم به ملت عزيزمان بگويم كه دهه‌ي فجر و بيست و دوم بهمن را قدر بدانيد. اين خاطره، بزرگترين خاطره‌ي ملت ما بعد از ورود اسلام به سرزمين و مرزهاي ماست. البته، دشمنان اسلام و انقلاب، با ياد دوران پيروزي انقلاب دشمنند; اما علي‌رغم ميل آنها، خاطره‌ي انقلاب را بزرگ بشماريد. در طول اين ده سال، هميشه دشمنان ما خواسته‌اند به اين انقلاب خدشه وارد كنند و سيماي منور امام را مخدوش نمايند. شما با گراميداشت دهه‌ي فجر، تمايل دشمن را خنثي كنيد.

كساني كه دم از طرفداري از حقوق بشر مي‌زنند و در يك چشم به هم زدن، حقوق ملتي را پامال مي‌كنند; امريكاييهايي كه ادعاي طرفداري از حقوق بشر مي‌كنند و با رژيمهايي كه اولين پايه‌هاي دمكراسي و آزادي و حقوق انسان در كشورشان وجود ندارد، صميميترين دوستيها را دارند و به آنها انتقاد نمي‌كنند; كشورهايي كه حتي پارلمان ندارند و در كشورشان از حضور سياسي مردم خبري نيست و چنين پديده‌يي از نظر سردمداران امريكا عيب محسوب نمي‌شود; با اسلام مخالف هستند و در حقيقت، آنچه كه آنها با او روبه‌رو مي‌باشند، اسلام است.

آنها، دايما مي‌خواهند از اسلام عيبجويي كنند و ايراد بگيرند. ملت ما به هر كيفيتي كه زندگي بكند و به هر پيشرفتي كه نايل بشود، در همه‌ي جريانهاي زندگي، دشمن از بدگويي نسبت به انقلاب و كشور و نظام اسلامي، باز نخواهد نشست. كاري كه دشمن مي‌تواند بكند، تبليغ عليه اسلام و انقلاب است. علي‌رغم اين عمل دشمن، شما دستاورد بزرگ انقلابتان را قدر بدانيد و اسلام و نظام اسلامي و انقلابي و راهي را كه امام در مقابل ملت ما ترسيم كردند، حفظ كنيد. امام، راه آزاد زيستن، كامل شدن، ساختن زندگي به شكلي كه مورد رضاي خدا و دستور اسلام است، سازندگي حقيقي زندگي و عدم سازش با قدرتهاي ضداسلامي را به ما نشان داد. اينها، براي ما درسهاي بيست و دوم بهمن است.

بيست و دوم بهمن، عيد حقيقي براي ملت ماست. بيست و دوم بهمن، براي ملت ما در حكم عيد فطري است كه ملت در آن، از يك دوران روزه‌ي سخت خارج شد; دوراني كه محروميت از تغذيه‌ي معنوي و مادي را بر ملت ما تحميل كرده بودند. بيست و دوم بهمن، در حكم عيد قربان است; زيرا در آن روز و به آن مناسبت بود كه ملت ما

اسماعيلهاي خودش را قرباني كرد. بيست و دوم بهمن، در حكم عيد غدير است; زيرا در آن روز بود كه نعمت ولايت، اتمام نعمت و تكميل نعمت الهي، براي ملت ايران صورت عملي و تحقق خارجي گرفت.
مسؤولان برگزار كننده‌ي دهه‌ي فجر، بايد تا آن جا كه در وسعشان است، با برنامه‌هاي خوب و متنوع و پرمغز و پرمعنا، مردم را با حقيقت اين دهه آشنا كنند. همچنين برادران مسؤول زندانها ـ كه اميدواريم ان‌شاءالله رفتار آنها با زندانيان، درست طبق همان رفتار اسلامي باشد ـ كساني را كه مي‌توانند مشمول عفو بشوند، مشخص كنند.
هيأت عفوي هم كه از طرف حضرت امام (ره) مأمور شده بودند، ان‌شاءالله با همان علاقه‌مندي و پشتكار، مسؤوليت بزرگ خودشان را تعقيب كنند و بتوانند كساني را كه مستحق رحمت اسلامي هستند، مشخص نمايند.
ان‌شاءالله خداوند بر همه‌ي آحاد ملت ما، باران فضل و رحمت خود را نازل كند و آنها را مشمول بركات مادي و معنوي خود قرار بدهد.
والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته